

## مطالعه جایگاه زن در دوره هخامنشی و آشوری براساس شواهد باستان‌شناسی

بهروز افخمی<sup>۱\*</sup>، تقی زینی‌زاده جدی<sup>۲</sup>، سید مهدی حسینی‌نیا<sup>۳</sup>

### چکیده

جایگاه زنان در دوره‌های تاریخی و مشارکت آنان در امور سیاسی و اداری حکومت‌ها به‌منزله یکی از شاخصه‌های عمده توسعه جوامع تلقی می‌شود. مشارکت زنان در جوامع معیار مناسبی برای سنجش میزان رشد فکری مردم آن جامعه به شمار می‌آید و به نوعی بیانگر برابری و تساوی حقوق زن و مرد و یکی از شاخصه‌های پیشرفت و توسعه جوامع متمدن در اعصار گذشته و امروزی محسوب می‌شود. این نوشتار به بررسی جایگاه زنان در تمدن ایرانی و بین‌النهرین با انتخاب دوره‌های تاریخی (هخامنشی و آشوری) پرداخته است. از جمله مهم‌ترین شواهد باستان‌شناسی به‌جامانده، نقش‌برجسته‌ها و آثار مهرهای دوره‌های تاریخی یادشده‌اند که به جایگاه و نقش زنان در عرصه‌های حقوقی و سیاسی پرداخته‌اند. هدف این مقاله بررسی جایگاه زنان عصر هخامنشی و مقایسه آن با تمدن آشوریان و ارائه تصویری شفاف و روشن از عملکرد آن‌ها بر پایه مستندات موجود باستان‌شناختی است. این پژوهش از نوع تحقیق تاریخی است که به صورت توصیفی-تحلیلی و تطبیق شواهد باستان‌شناسی، اعم از مهرها و سنگ‌نگاره‌ها، تلاش می‌کند جایگاه زن در تمدن‌های ایران و بین‌النهرین را با انتخاب دوره‌های تاریخی شاخص و با استناد به مدارک مستدل باستان‌شناسی تحلیل کند. درنهایت، چنین نتیجه می‌گیرد که به‌رغم تأثیرپذیری تکنیکی نقش‌برجسته‌های مرتبط با موضوع زنان هخامنشیان از آشوریان، احترام به زن و گستردگی مشارکت آنان در فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی، استقلال و آزادی‌های فردی در زندگی خصوصی زنان هخامنشی نسبت به دوره آشوریان بیشتر است.

### کلیدواژگان

آشوریان، جایگاه زنان، شواهد باستان‌شناسی، هخامنشیان.

bafkhami@uma.ac.ir

Zinizadeht@gmail.com

mehdihosseyni44@yahoo.com

۱. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول)

۲. کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

۳. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۳۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۵

## مقدمه

برای شناخت جایگاه و نقش زن در هر دوره‌ای و بررسی آن از جنبه‌های حقوقی و سیاسی باید جنبه‌های عمومی زندگی اعم از اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سایر مسائل آن جامعه نیز در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر، در هیچ دوره تاریخی وضعیت و جایگاه زن از جنبه‌های مختلف از وضع عمومی آن جامعه مجزا نبوده است. علاوه بر آن، برای بررسی دقیق نقش زن در ابعاد مختلف در جامعه نمی‌توان به ویژگی‌ها و شرایط سیاسی و اجتماعی و دینی حاکم در همان برهه زمانی بسنده کرد، زیرا این نقش و جایگاه در یک جامعه متأثر از نحوه تفکر و طرز تلقی دینی و مذهبی و همچنین ناشی از چگونگی زندگی اجتماعی آن جامعه طی چندین سده بوده که از نسل‌های گذشته رسیده و به تدریج در زندگی مادی آن جامعه تبلور یافته است؛ یعنی زن و نقش او در حیات اجتماعی و سیاسی یک جامعه تحت تأثیر باورها و اعتقادات دینی قرار دارد. از این رو، نحوه برخورد با زنان و نوع نگرش به آنان نیز متفاوت بوده است. در ایران باستان، مردم با الهام از اندیشه‌ها و باورهای دینی نیاکان، برای زن ارزش الهی قائل شده‌اند؛ تا جایی که پرستش الهه‌های مختلف، چون آناهیتا، قبل از ظهور زردشت خود دلیلی بر ارزش والای مقام زن به منزله رکن اصلی خانواده بوده است. با استناد به آرای بسیاری از محققان، زن در دوران اولیه جایگاهی برابر و حتی در بسیاری از موارد فراتر از مرد داشته که ناشی از وظایف و تکالیفی بوده که او در خانواده و حتی ایل و قبیله خود انجام می‌داده است. مهم‌ترین سؤالات این نوشتار به شرح ذیل است: ۱. نگرش هنرمندان دو امپراتوری به زنان در آثار هنری چگونه تبلور یافته است؟ ۲. با توجه به گسست تاریخی بین دو سلسله، آیا هنرمندان دوران هخامنشی همان سبکی را که پیشینیان خود (آشوریان) برای انتخاب نگاره‌ها با موضوع زنان برگزیده بودند پیش گرفته‌اند؟

مهم‌ترین هدف این پژوهش بررسی جایگاه اجتماعی زن در دو دوره تاریخی آشوریان و هخامنشیان براساس داده‌های هنری برجای‌مانده و ارائه تصویری شفاف و روشن از عملکرد جایگاه آن‌ها بر پایه مستندات موجود همچون نقش برجسته‌ها، مهرها و اثرمهرهاست که با کنار هم قرار دادن آن‌ها سعی در روشن‌نمودن برخی از زوایای مبهم جایگاه و نقش زنان در عرصه‌های سیاسی و حقوقی خواهد کرد.

## پیشینه پژوهش

پیش از این، پژوهش‌گران درباره زنان در ایران باستان، به‌ویژه زنان هخامنشی، مطالعاتی انجام داده‌اند و هریک از جنبه‌ای به بیان مسئله پرداخته‌اند. برخی از این پژوهش‌های مهم عبارت‌اند از: رحیمی در پایان‌نامه‌ای با عنوان «جایگاه زن در تحولات سیاسی، اجتماعی عصر هخامنشی»

تصویری شفاف و روشن و نظام‌مند از عملکرد سیاسی-اجتماعی زنان بر پایه مدارک موجود همچون لوح‌های تخت جمشید و منابع یونانی و متون مصری و بابلی ارائه داده و با کنار هم قرار دادن داده‌های مختلف و نقادی متون مختلف تلاش کرده برخی از زوایای مهم فعالیت زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی را مشخص کند [۱۱]. ابراهیمیان در پایان‌نامه دیگری با عنوان «پایگاه اجتماعی فرهنگی زنان در ایران باستان و علل وجودی آن؛ مورد مطالعه هخامنشیان» به جایگاه و وضعیت زن در ابعاد اجتماعی- فرهنگی می‌پردازد [۱]. آدینه‌وند و تقوی در پژوهشی با عنوان «بررسی جایگاه قدسی زن در بین‌النهرین، عیلام و یونان» به بررسی علل تأثیرگذار دیدگاه قدسی به زن در تمدن‌های ذکرشده پرداختند و بر این اساس نویسندگان این مقاله نتیجه گرفته‌اند که دو ویژگی زایش و باروری زن و ارتباط زن با کشاورزی در جایگاه قدسی زن در تمدن‌های بین‌النهرین، عیلام و یونان مؤثر بوده است [۴]. دادور در مقاله‌ای با عنوان «موقعیت اجتماعی و فرهنگی زن در تمدن عیلام» ضمن پرداختن به مقام و جایگاه زن در تمدن عیلام، نتیجه می‌گیرد که در این دوره اندیشه مذهبی در مرکز قرار داشته و خدایان مادینه در جرگه خدایان اصلی بوده‌اند. به‌طور کلی، در تفکر حقوق عیلامی، زن جایگاه انسانی‌الایی داشته است [۹]. پژوهش‌های دیگری نیز وجود دارد که در متن و منابع پایانی به آن اشاره خواهد شد. در این زمینه، باید گفت بیشتر این تحقیقات از نگاه تاریخی به موضوع پرداخته‌اند. در نوشتار حاضر، براساس آثار هنری باقی‌مانده (سنگ‌نگاره‌ها، مهرها و غیره) و مقایسه با آثار هنری آشوریان پرداخته شده است.

## روش پژوهش

روش تحقیق این نوشتار به صورت تاریخی و تحلیل مطالب به روش توصیفی-تحلیلی بوده است. انتخاب نگاره‌ها از طریق تحلیل موردی انجام گرفته که در نهایت به ارائه نتایج در این زمینه منجر شده است. در این مقاله، با استفاده از روش مطالعات تطبیقی، به شناخت جایگاه زنان در دوره هخامنشیان و آشوریان می‌پردازیم. دامنه تطبیق شواهد هنری و باستان‌شناسی از پیکرنگاری زنان برجای‌مانده از این دو دوران است. با استفاده از روش مطالعات تطبیقی، داده‌ها به صورت مقایسه‌ای ارائه خواهد شد. در نهایت، به توصیف و تبیین نقاط اشتراک و اختلاف پرداخته خواهد شد.

مطالعه در خصوص وضعیت زنان در دوران هخامنشی، به‌خصوص تبیین نقش و جایگاه واقعی آنان در ابعاد سیاسی و حقوقی، براساس مستندات هنری به دلیل کمبود منابع کار بسیار مشکلی است. بنابراین، کمبود منابع ما را در رسیدن به هدفمان، که بازنمایی جایگاه زنان براساس داده‌های هنری در این دو دوره است، با مشکل مواجه می‌کند. لوح‌های تخت جمشید، که باید آن‌ها را بارزترین منابع برای بحث درباره دوره هخامنشیان دانست، روی زنان درباری

و موقعیت اقتصادی آن‌ها توجه کرده و بیشتر اسناد تاریخی‌اند تا هنری. برعکس، از دوره آشوریان آثار زیادی، که پیکرنگاری زنان در آن‌ها هم مشهود بوده، باقی مانده است. بنابراین، برای مقایسه و تحلیل نقش زنان هخامنشی با دوره آشوریان براساس داده‌های هنری با کمبود تصاویر مواجهیم. در سال‌های اخیر، یک‌سری داده‌های هنری مانند مهرها و اثرمهرها، نقش برجسته‌های سنگی و غیره به دست آمده که تصاویر زنان در آن‌ها هم وجود دارد. اکثر این آثار امروزه در خارج از مرزهای سیاسی است که زمانی جزء ساتراپ‌های هخامنشی بوده‌اند. در این نوشتار، این آثار به دست آمده از زنان از لحاظ موضوعی با اسناد هنری دوره آشوریان مقایسه شده تا دیدگاه دو تمدن به پیکرنگاری زنان را در آثار هنری بهتر شناسایی شود.

### وضعیت حقوقی و سیاسی زنان دوره هخامنشی

اطلاعات و بینشی که ما از جایگاه زنان در دربار هخامنشی داریم بیشتر بر مبنای مطالبی است که از نوشته‌های هرودت و مورخان بعدی یونانی به دست آمده و به اشارات پراکنده‌ای محدود است که به کارهای تعدادی از زنان از اندرون شاهی پارس نسبت داده‌اند. مطالب محدودی که این مورخان گرد آورده‌اند در خصوص زنان درباری و سلطنتی بوده که بیشتر مطالبی اغراق‌آمیز و آمیخته با غرض‌ورزی‌های سیاسی بوده است. این در حالی است که در مورد نحوه زندگی و جایگاه زنان عادی مطالبی وجود ندارد [۵، ص ۱۴۰]. مورخان یونانی به طوری برجسته زنان پادشاهان ایران را به عنوان افراد مداخله‌گر و فتنه‌جو در دربار ایران ترسیم می‌کنند و به عنوان محرکان شورش و انقلاب قلمداد می‌کنند. در اغلب داستان‌هایی که یونانیان ساخته و پرداخته‌اند، زنان پارسی ستمکار، خشن و کینه‌توز معرفی شده‌اند که مدام در حال توطئه‌چینی بوده و مسبب اصلی قیام‌ها و شورش‌ها هستند [۱۹، ص ۱۲].

درباره زندگی و موقعیت زنان ایرانی در دوره پادشاهی هخامنشی مدارک تازه‌ای از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به دست آمده که امکان بررسی دقیق‌تر را فراهم می‌کند. این منابع لوح‌ها و نوشته‌هایی است که در جریان اکتشافات جدید در مرکز امپراتوری هخامنشی، یعنی در بابل، به دست آمده و نقش ملکه و زنان درباری هخامنشی در فعالیت‌های اقتصادی را روشن می‌کند. این متون بینشی منحصر به فرد در مورد وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان سلطنتی و غیرسلطنتی در آن دوران ارائه می‌دهد. در متون یادشده شخصی، زنان با پرداخت جیره و حقوق و دستمزد برای کارگران زن و مرد و فرمان‌های مهرشده به وسیله خودشان یا عوامل آن‌ها شناسایی می‌شوند. اطلاعات ارزشمندی در مورد اینکه چگونه این زنان قدرتمند و ثروتمند دارایی خود را مدیریت می‌کردند ارائه می‌شود [۵، ص ۱۰۳]. آن‌ها سرپرستی نهایی املاک و کارگاه‌هایشان را برعهده داشتند، دستورات لازم برای تأمین کارگران‌شان را صادر می‌کردند و به حساب‌ها می‌رسیدند. آن‌ها برای کارهای گوناگون خود کارمندان دیوانی

مخصوص داشته‌اند و ناگزیر از گزارش کارهای خود به دیوان شاه بوده‌اند. صحت گزارش‌ها درباره درآمدها و مخارج با مهر ملکه تأیید می‌شد. در این دوران، زنان درباری و بانوان نجیب‌زاده مرتبط با خانواده شاهی از ملازمانی بوده‌اند که شاه را در سفرهایش همراهی می‌کردند و درخصوص سفرهای رسمی و سفرهای خصوصی زنان درباری دوره هخامنشی نه تنها منابع یونانی، بلکه منابع بابلی و پارسی را نیز باید در نظر گرفت [۵، ص ۱۱۸]. مهرها و اثرمهرهای برجای‌مانده از این دوران، ما را از چگونگی وضعیت زنان آگاه می‌کند. درخصوص شرایط و آداب و رسوم مربوط به ازدواج در دوره هخامنشیان مطالب زیادی در دست نداریم. عمده داده‌های ما در این خصوص از منابع بابلی است که به نظر می‌رسد این شرایط تا حدودی در قلمرو اصلی شاهنشاهی هخامنشی نیز وجود داشته است. در مجموع، ۴۵ مورد سند ازدواج از بابل به دست آمده که از دوران کمبوجیه تا اردشیر سوم را شامل می‌شود و اطلاعات خوبی از ازدواج ایرانیان در اختیار ما می‌گذارد. در این اسناد، درخصوص حقوق و تکالیف زنان در دوران زندگی زناشویی، جهیزیه و شرایط اقتصادی و تعهدات شوهر به همسرش در صورت جدایی اشاراتی شده است. این قرارداد معمولاً بین شوهر و خانواده عروس منعقد و با شرح تعهد شوهر به زن آغاز می‌شد و پس از موافقت خانواده عروس یک‌سری تعهدات و شرایطی که مد نظر خواستگار بود قید می‌شد و در نهایت هدایایی به عروس و خانواده‌اش داده می‌شد. البته، همچنان که گفته شد، هیچ مدارکی دال بر اینکه این شیوه‌ها در همه مناطق یکسان بوده در دسترس نیست.

در تمدن‌های بین‌النهرین، سن خاصی برای ازدواج دختران و پسران در نظر گرفته شده بود و این سن برای دختران از ۱۴ تا ۲۰ و برای پسران از ۲۶ تا ۳۲ سالگی متغیر بوده است. در دوره هخامنشیان، این امر تابع سن خاصی نبوده و با رسیدن فرزندان به سن رشد خانواده‌ها موظف بودند شرایط و مقدمات ازدواج را تدارک ببینند. دختران در انتخاب شوهر آزادی عمل داشتند. دیدن چهره زن جهت پسندیدن جایز و دادن جهیزیه برای دختران نیز مرسوم بود؛ به طوری که مورخان از جهیزیه داریوش به دخترش مطالبی آورده‌اند که البته این موارد در بین‌النهرین نیز وجود داشته است. طبق مفاد این شرایط و تعهدات، اگر زن به شوهر خیانت می‌کرد، شوهر حق داشت او را بکشد و اگر شوهر زن دیگری اختیار می‌کرد، باید مبلغ معینی به همسر اول خود می‌داد. زن می‌توانست به خانه پدری خود برگردد؛ یعنی تقریباً همان‌گونه که در بین‌النهرین بود [۲، ص ۱۰۱].

## وضعیت و موقعیت زنان در جامعه آشوریان

در جامعه آشوری، طبق مدارک و شواهد، شاهد تنزل حقوق و آزادی‌های فردی زنان هستیم. قوانین کلی معمولاً سخت‌گیرانه‌تر از قوانین بابل بود. جامعه آشوری را جامعه‌ای شبه‌نظامی

دانسته‌اند که مانند سایر جوامع جنگجوی دیگر مردمان را به زاد و ولد بیشتر ترغیب می‌کردند، زیرا این دولت به سربازان جنگجو نیاز اساسی داشت. زنانی که فرزند پسر به دنیا می‌آوردند پاداش می‌گرفتند. در صورتی که فرزند مرده به دنیا می‌آمد یا سقط جنین می‌شد، مادر مستحق مرگ بود [۲۰، ص ۲۲۹]. از نگاه آشوریان، زن فقط مولد تولید مثل بود [۸، ص ۱۸۸]. فرهنگ آشوری از بسیاری جهات شبیه به فرهنگ بابلی بود؛ مثلاً، به غیر از تاریخ سلطنتی، ادبیات آشوری عملاً مشابه همتای بابلی خود بود و بسیاری از شاهان آشوری تحصیل کرده، به‌ویژه آشور بانیپال، به اندوختن رونوشت‌هایی از اسناد ادبی بابلی در کتابخانه‌هایشان افتخار می‌کردند [۱۳، ص ۶۷]. زندگی اجتماعی یا خانوادگی، مراسم ازدواج و قوانین مالکیت، همگی، شبیه به همتای بابلی خود بودند. سه مجموعه قانونی آشوری، که تاکنون یافت شده‌اند، همگی به قوانین سومری و بابلی شبیه‌اند؛ اگرچه مجازاتی که تحت قانون آشوری برای متخلفان تعیین می‌شد اغلب وحشیانه‌تر و ابتدایی بود. باورها و اعمال مذهبی آشوری تقریباً با تمدن همتای بابلی خود یکسان بود؛ به جز خدای ملی آشوری «آشور» که جایگزین خدای بابلی مردوک شده بود [۶، ص ۸۳].

بین قوانین مختلف آشوری، که در دوره‌های مختلف تنظیم شده، قانون آشور میانه از اهمیت زیادی برخوردار است. این قانون چگونگی ایجاد پیوند حقوق زنان در دوران گذشته با دوران کنونی را دربرمی‌گیرد. دلیل این اهمیت آن است که قوانین آشور میانه و مهم‌ترین آن قانون ۴۰ آشور میانه در ارتباط با زنان بوده و محدودیت‌های بیشتری را برای زنان ایجاد می‌کند. این قوانین صورت اصلاح‌شده‌ای از قوانین حمورابی است. این مدارک را باید نمونه‌ای از اولین تلاش‌ها برای تنظیم و کنترل فعالیت‌های زنان در بین‌النهرین دانست. طبق این قانون، دولت کنترل بر جنس مؤنث را در اختیار داشته است و برخی را وادار به پوشیدن روبند و برخی را از پوشیدن آن منع می‌کرد [۱۰، ص ۲۹۰]. براساس قانون ۴۰ آشور میانه، نظام سلسله‌مراتبی برای زنان تعیین شده بود. در رأس این سلسله‌مراتب، بانوی ازدواج‌کرده یا دختر مجرد او، سپس زن صیغه‌ای شوهردار، خواه برده یا آزاد، و در مرحله پایین این سلسله‌مراتب زنان فاحشه و زنان برده قرار داشتند. قوانین مدونی که در آشور میانه وضع شده بود، تلفیقی از قوانین پیشین بود. این قوانین تضاد چشمگیری را با قانون حمورابی نشان می‌دهد که کاتبان این دوره آن را نسخه‌برداری کرده‌اند. شکل معمول ازدواج، که براساس آن زن خانواده پدری را ترک می‌کرد و به خانواده شوهر ملحق می‌شد، تغییر یافت و ازدواجی که زن در خانواده پدری می‌ماند و شوهر نیز هر وقت خواست می‌توانست به منزل همسر برود مرسوم شد [۱۵، ص ۱۰۷]. پس از ذکر پیشینه و مقایسه حقوق و جایگاه زنان در تمدن هخامنشیان با آشوریان، به مقایسه جایگاه زنان در دو تمدن هخامنشیان و آشوری براساس شواهد باستان‌شناسی برجای‌مانده پرداخته می‌شود.

## موقعیت زنان هخامنشی و آشوری از جنبه‌های مختلف براساس باستان‌شناسی

### جایگاه ملکه‌ها و زنان درباری هخامنشی و آشوری

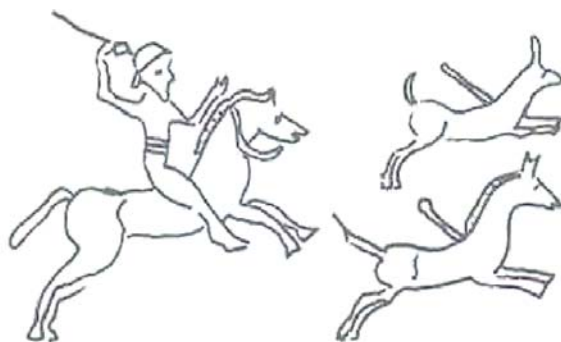
اصولاً در بین‌النهرین اصطلاح شهبانو یا ملکه فقط در مورد الهه‌ها یا خدایان زنی که حکومت می‌کرده‌اند به کار می‌رفته است. در دربار آشوری، همسر اصلی شاه یا بانوی کاخ به همراه معشوقه‌های او درون حریمی زندگی می‌کرده‌اند که خواجه‌گان مسئول حفاظت از آن‌ها بوده‌اند. از طریق برخی نامه‌های مکتوب، که از اواخر امپراتوری آشور برجای مانده، مشخص می‌شود همسر اصلی و مادر شاه در بسیاری از تصمیمات سیاسی نفوذ زیادی داشته‌اند [۲۵، ص ۱۷-۲۲].

در منابع، از وجود برخی زنان قدرتمند نام برده شده که نفوذ زیادی در دربار داشته و از جایگاه مهمی برخوردار بوده‌اند. در دوره هخامنشیان، با اینکه با گسست تاریخی دوپست‌ساله با آشوریان مواجهیم، منابع مختلف از اسامی زنانی که دارای قدرت و نفوذ فراوان بوده‌اند مطالبی آورده‌اند. براساس اسناد موجود، میان موقعیت اعضای مختلف خانواده سلطنتی تفاوت آشکاری وجود داشته است. عناوین استفاده شده از سوی زنان سلطنتی رابطه این زنان را با پادشاه بیان می‌کند؛ مثلاً، مادر شاه بالاترین مقام را داشته و به نظر می‌رسید در رأس هرم زنان درباری حکم سر اعضای خانواده را داشته است. در مرتبه بعدی، مادر ولیعهد یا همسر اصلی و به دنبال آن‌ها دختران و خواهران پادشاه قرار داشتند. عناوین مادر پادشاه و همسر پادشاه حاکی از این است که در سلسله‌مراتب اعضای خاندان سلطنتی آن دو مقام و موقعیت بالاتری داشته‌اند [۵، ص ۲۲].

استفاده زنان از مهرهای شخصی یکی از شواهد محکمی است که بر استقلال اقتصادی بانوان درباری در دوره هخامنشیان دلالت دارد و عمدتاً برای صدور فرمان‌ها و دستورات کتبی به مستخدمان خود بوده و بیانگر داشتن امکانات اداری مشابهی با امکانات شاه و ملکه است. ارتیستونه<sup>۱</sup> از مهر شخصی استفاده می‌کرده و ۳۸ مورد نامه با مهر و موم شخصی در ارتباط با کارهای او یافت شده است. در این دوره، سه عامل استفاده از القاب، دریافت تدارکات درباری یا جیره ویژه و نیز استفاده از مهرهای مخصوص در شناسایی و برتری زنان (به‌خصوص زنان درباری) مؤثر بوده است [۵، ص ۱۹۰].

در تصویر ۱، مهری متعلق به ملکه رته بامه<sup>۲</sup> مشاهده می‌شود. این زن موقعیت بسیار مهمی داشته؛ به طوری که در لوح‌های دیوانی نام او بیش از دیگران آمده است. رته بامه املاک زیادی در منطقه عیلام داشته است. وی مصارف املاک خود را با مهر خود تأیید کرده است. نگاره مهر او سوارکار نیزه‌به‌دست در حال تعقیب دو گورخر است. نقش این مهر نقشی زنانه نیست و یک بار دیگر شاهدهی بر این امر است که زنان ایرانی به برابری با شوهرانشان تمایل داشته‌اند و می‌خواستند که زیننده آن‌ها باشند [۱۴، ص ۱۸۹].

1. Artisttone  
2. Rate Bame



تصویر ۱. مهر ملکه هخامنشی رته بامه [۱۴، ص ۱۸۸]

روی مهرهای به‌دست‌آمده از این دو تمدن تصاویری از زنان نیز حک شده که بیانگر جایگاه ویژه آنان است. بیشترین مهرهای هخامنشی که در آن تصاویر زنان نشان داده شده از ملکه‌ها و زنان درباری بوده و بیان‌کننده جایگاه سیاسی زنان سلطنتی است. بنابراین، تصاویر عمده این مهرها را زنان درباری و سلطنتی و زنانی که از خانواده‌ای ثروتمند بودند تشکیل می‌دادند و مهرهای مربوط به زنان عادی کمتر دیده می‌شود. معمولاً صحت گزارش‌هایی را که درباره درآمدها و مخارج ملکه‌ها و زنان درباری به آن‌ها می‌رسیده با مهر مخصوص خود تأیید می‌کرده‌اند. داشتن این مهر قدرت و اختیارات زیادی به آن‌ها می‌بخشیده است [۵، ص ۱۹۱]. در مورد تصاویر زنان در بین‌النهرین باید گفت پیکره‌های سنگی، گلی، برخی اشکفت و نقوش صخره‌ای برجای‌مانده از زنان این دوران کم نیستند. با این حال، می‌توان گفت تعداد مهرهایی که در آن زنان به تصویر کشیده شده باشند به مراتب محدودتر است و وجه تمایزی که در این خصوص با مهرهای هخامنشی دارند در این است که مهرهای به‌دست‌آمده از سرزمین بین‌النهرین عمدتاً مربوط به الهه‌های زن بوده و گاهی تصاویری از ملکه‌ها و زنان درباری را شامل می‌شود. علاوه بر آن، تصاویری که زنان را به تنهایی نشان داده یا صدور مهر برای تأیید فرمان‌ها ملکه‌ها یا زنان درباری باشد دیده نمی‌شود و بیشتر زنان در حال معرفی به الهه یا شاهان نشان داده شده‌اند. در میان مهرهای بین‌النهرین، مهرهایی نیز دیده می‌شود که به جنبه‌های دیگر زندگی اجتماعی زنان- مثل فعالیت‌های گروهی و کارهای اقتصادی، امور مذهبی و موارد دیگری که زنان در جامعه انجام می‌داده‌اند- پرداخته است.

در تصویر ۲، یک ملکه هخامنشی را روی یک مهر استوانه‌ای مشاهده می‌کنید. در این مهر، که در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود، در سمت چپ ملکه‌ای روی یک تخت سلطنتی بر پایه گرد نشسته است. دامن این زن به پایین افتاده و در دست راستش گل نیلوفر آبی وجود دارد. در بالای سر این ملکه یک تاج و یک روسری یا روبند بلند قرار دارد. روبه‌روی بانوی



نشسته فردی ایستاده که احتمالاً غلام اوست و هدیه‌ای از جانب ملکه برای الهه آورده است. زنی که در سمت راست تصویر قرار دارد موی بلند و جمع شده معمولی دارد که روی آن تاج مرصع کاری شده قرار دارد. پشت تاج، روبندی ریز آویزان شده است و لباس متناسب با بهترین لباس‌های سنتی دوره هخامنشی است. این امر در مورد غلام ایستاده در وسط تصویر صدق نمی‌کند. پشت غلام آشدانی درخشان وجود دارد [ص ۲۶، ۲۱۸-۲۲۵]. ظاهراً مشابهت‌هایی مابین این اثر مهر با اثر مهتری که شاه در مجلس بارعام نشسته است وجود دارد و مجلس بار در تخت جمشید مدل این مهر قرار گرفته است. در این مهر زنی بلندپایه بر صندلی تخت‌مانندی که پشتی مرتفعی دارد نشسته، پاهایش را روی چارپایه‌ای گذارده و گل نیلوفری در دست دارد. لباس این زن دربار هخامنشی است و کلاهش شبیه تاجی است که چادری روی آن انداخته‌اند. تصویر این زن، برخلاف تصور معمول از آن، یک الهه نیست، بلکه زنی بلندپایه است که با رفتاری درباری خواسته اعتبار و درجه خود را بالا ببرد [ص ۱۴، ۱۹۴].

در تصویر ۳، اثر یک مهر از دوره آشور نشان داده شده است. روی این مهر و در داخل یک گوی تصویر سه نفر با یک شیر و یک نقش عقرب حک شده است. در تصویر این مهر، پادشاه و ملکه حک شده و الهه روی صندلی تخت تکیه داده است. این صندلی پشت یک شیر تکیه داده شده است. این مهر در زمان سلطنت سناخریب ساخته شده و تنها نمونه از آثار دوره آشور نو است [ص ۲۷، ۴۹۸].



تصویر ۲. تصویر ملکه با دو زن روی یک مهر استوانه‌ای [ص ۱۴، ۲۸۳]



تصویر ۳. مهری از دوره آشور نو، سناخریب همراه ملکه و یک الهه، محل نگهداری موزه بریتانیا [۲۷]

### تصاویر زنان در مراسم مختلف

هنرمندان در دوره آشوریان و هخامنشیان تصاویری از مردان و زنان روی سنگ‌نگارها حک کرده بودند. البته در سنگ‌نگاره‌های زمان هخامنشی تعداد تصاویر زنان در مقابل مردان کمتر بوده و به جز چند مورد، آثاری شاخص در این خصوص یافت نشده است. برعکس، از دوره آشوریان تصاویری که زنان را نشان دهد بیشتر بوده است.

شرکت زنان درباری هخامنشی در مراسم تشییع جنازه در مطالب نویسندگان یونانی آمده است. زنان درباری در انتهای صف ملازمان رکاب اسکندر بودند که آشکارا نشانه‌ای از آداب و رسوم هخامنشیان بوده است. ترتیب قرار گرفتن این زنان را از توصیف کنتوس کورتیوس<sup>۱</sup> رفوس از قافله نظامی داریوش سوم می‌توان فهمید. مادر و همسرشان هریک در ارابه‌های خود و پیشاپیش ارابه‌های سایر زنان سفر می‌کرده‌اند. بعد از آن‌ها، ارابه‌های شاهزاده‌ها و ملازمانشان و در انتها ارابه زنان غیرعقدی و پشت سر آن‌ها ارابه خزانه سلطنتی، همسران بستگان و دوستان شاه بوده است [۵، ص ۱۱۸-۱۱۹]. با توجه به تصاویر معرفی شده و دیدگاه مورخان راجع به شرکت زنان در مراسم‌های مختلف، مانند مراسم تشییع جنازه، به اهمیت جایگاه زنان در این گونه مراسم‌ها پی خواهیم برد.

در تصویر ۴، در یک سنگ‌نگاره در منطقه داسکیلیون<sup>۲</sup>، در سه طرف یک سنگ، نگاره‌هایی از زنان و مردان دیده می‌شود. در یک طرف این سنگ‌نگاره تصویری از دو زن دیده می‌شود که در پنجمین سال سلطنت خشایارشا حجاری شده است. در این تصویر، زنان به دنبال جنازه در حرکت‌اند [۲۱].

1. Kentos Curtis  
2. Dascillion



تصویر ۴. سنگ‌نگاره ارگیلی داسکیلیون با تصویر زنان در مراسم تشییع جنازه، محل نگهداری آرشیو موزه استانبول [۲۱]

در تصویر ۵، نقش برجسته آشور بانیپال در کاخ شمالی کویونجیک<sup>۱</sup> نشان داده شده است. در این نقش، حرکت جنگجویان و نوازندگان مرد و زن به تصویر درآمده که بیانگر جشن مذهبی است و حضور زنان را در چنین جشن‌ها و مراسم‌ها نشان می‌دهد.



تصویر ۵. تخته‌سنگ‌هایی با نقش برجسته، پادشاه سوار بر ارابه ویژه، مراسم مذهبی به همراه افسران از کویونجیک [۱۸، ص ۲۸۹]

1. Kuyunjik

## تصاویر زنان مستقل روی آثار

در تصویری از مهر به دست آمده (تصویر ۶) متعلق به دوران هخامنشی، نقش زنی را می بینیم که روی یک صندلی نشسته و تاجی بر سر و نمادهایی مثل گل سه شاخه، پرنده و حلقه مروارید در دست دارد. این مهر بازنمایی مفهومی قدیمی در هنر ایران، یعنی باروری و حاصلخیزی، است که روی مهرهای هخامنشی در قالب نقش ایزدبانوی آناهیتا تجلی پیدا کرده است [۹، ص ۳۹۱]. بعضی از پژوهشگران تصویر زن روی این مهر را زنی هخامنشی می دانند.

نقش مهر دیگری از دوره هخامنشیان زن تاجداری را نشان می دهد که روی یک صندلی زیبا، همانند صندلی داریوش یکم، در سنگ نگاره های تخت جمشید نشسته و گیسوان بلند او در پشت سر آویخته شده است. این زن جامه ای چین دار و زیبا همانند جامه مردان پارس و جامه بانوان فرش پازیریک پوشیده است [۱۲، ص ۶۴].

به نظر می رسد مهرهای مورد مطالعه هخامنشیان نه برای بیان ویژگی های اجتماعی زن، بلکه برای نشان دادن مرتبه اجتماعی و نیز منزلت مذهبی زن بوده است [۱۶، ص ۶۴].

در پلاک عاجی به دست آمده از قلعه شلمانصر<sup>۱</sup> سوم در نیمرود که در تصویر ۷ نشان داده شده است، یک زن روی صندلی نشسته و گاو بالداری زیر آن حجاری شده است.



تصویر ۶: نقش زن نشسته روی صندلی، دوره هخامنشی [۱۶، ص ۳۹۱]



تصویر ۷. پلاک از عاج با طرح با طرح زن نشسته و بالدار، قلعه شلمانصر، نمرود [۲۳]

### زنان در مراسم ضیافت درباری

در بعضی از شواهد هنری، تصاویری وجود دارد که حاکی از شرکت زنان درباری جوامع خاور نزدیک در ضیافت‌های شاهانه است [۵، ص ۱۳۱]. تصاویری از زنان در مهرهای هخامنشی و آشوریان وجود دارد که آن‌ها را در حالی نشان می‌دهد که به‌تنهایی جام پذیرایی در دست دارند یا در حال پذیرایی از شاه هستند. در مهری در آکسفورد، مردی ایرانی با لباس سوارکاری و باشلق روی چهارپایه‌ای نشسته و در مقابل وی زنی با لباسی دیگر جام‌به‌دست در حال پذیرایی است. حالت پوشش این زن و مرد، شبیه نگاره‌های هخامنشی است [۱۴، ص ۱۹۴] (تصویر ۸).



تصویر ۸. تصویر زن روی یک مهر در حال پذیرایی از یک مرد، محل نگهداری موزه اشمولین [۱۴، ص ۲۸۵]

جدا از منابع یونانی، مدارک به دست آمده از لوح‌های باروی تخت جمشید حاکی از آن است که زنان در جشن‌ها و مهمانی‌ها شرکت می‌کردند [۵، ص ۱۳۰]. تصویر ۹، پادشاه آشور بانپال و ملکه آشور شارات<sup>۱</sup> را نشان می‌دهد که به شکرانه پیروزی در نبرد تل تويا در ۵۳ ق.م. جشنی برپا داشته‌اند و پادشاه و ملکه هر دو در میان باغی روی نیمکتی نشسته‌اند. طرز گرفتن جام در دستان ملکه بیانگر همراهی وی با پادشاه است. خدمتکاران پادشاه و ملکه را باد می‌زنند و نیازهایشان را برآورده می‌کنند. این کنده کاری مربوط به یکی از کاخ‌های شمالی در نینوا است [۳، ص ۷۵].



تصویر ۹. ضیافت پیروزی، کنده کاری کاخ شمالی در نینوا، موزه بریتانیا [۳، ص ۷۴]

## زنان و اهمیت به خانواده

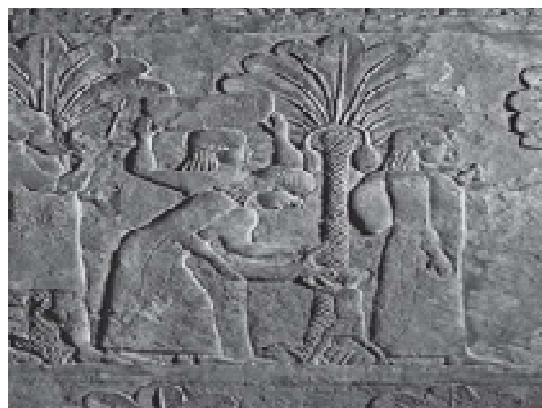
علاقه به فرزند و خانواده در دوره هخامنشیان و بین زنان درباری اهمیتی فراوان داشت. آن‌ها صرفاً در بند مسائل شخصی نبوده‌اند. زنان ارشد در خاندان سلطنتی و اشراف در حد مقررات تعیین شده عمل می‌کردند [۵، ص ۱۳۰]. آن‌ها علاقه زیادی به فرزندان خود داشتند؛ به طوری که مقایسه شمار نوزادان پسر و دختر نشان می‌دهد نوزادان دختر به نوزادکشی محکوم نشده‌اند. همچنین، لوح‌های باروی تخت جمشید نشان می‌دهد تعداد کارگران مرد و زن متعادل بوده و از هر دو قشر در کارگاه‌ها حضور داشته‌اند [۵، ص ۲۳۶]. برعکس، در دوره آشوریان، فرزند پسر اهمیت فراوان داشت و به زنان در به دنیا آوردن پسر پادشاه می‌داده‌اند. در تصویری روی مهری (تصویر ۱۰) که از دوره هخامنشیان باقی مانده، اهمیت جایگاه فرزند دختر همانند پسر در این دوره مشهود است. مهر دو نقش متفاوت دارد. در یک نقش زنی را نشان می‌دهد که در حالت نشسته پرنده یا گلی را به دخترش هدیه می‌دهد.

1. Ashur Shart



تصویر ۱۰. اثر یک مهر، زنی نشسته و پرنده یا گلی را به دخترش می‌دهد [ص ۱۴، ۲۸۵]

تصاویری از نقش برجسته‌های آشوری وجود دارد که در آن نوزادان به تصویر کشیده شده‌اند. تصاویری با این مضمون اهمیت علاقه زن به فرزند در خانواده را نشان نمی‌دهند، بلکه صرفاً به تصویر کشیدن قدرت امپراتوری بوده که در آن نوزادان به همراه مادرانی که اسیر شده‌اند به تصویر کشیده شده است. در چند نقش برجسته از این دوران، مادران از فرزندان خود در طول مسیر مراقبت می‌کنند. در تصویر ۱۱، زنی دیده می‌شوند که در طول سفری طولانی از نوزادانی که نمی‌توانستند پیاده‌روی کنند نگهداری می‌کردند. در سنگ‌نگاره‌ای از بین‌النهرین که از کاخ نینوا به دست آمده، در صحنه‌ای در طول راه که اسیران را می‌برند، زنی دارد به فرزند خود، که تشنه شده، با مشک آب می‌دهد [ص ۲۴، ۳۳۴].

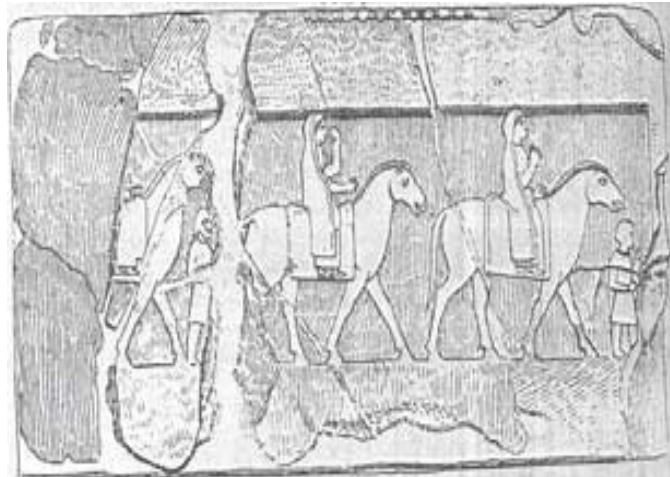


تصویر ۱۱. مادری به کودک خود آب می‌دهد، کاخ نینوا، ۶۲۰ ق.م، موزه بریتانیا [ص ۲۴، ۳۳۵]

## زنان در سفرهای سیاسی

در کل دوران امپراتوری هخامنشی، زنان درباری و بانوان نجیب‌زاده، که با خانواده شاه مربوط بودند، بخشی از ملازمان شاه را در سفرها تشکیل می‌دادند [۵، ص ۱۱۸]. هریک از زنان خانواده سلطنتی به‌طور خصوصی مسافرت می‌کردند؛ اگرچه این سفرها فارغ از وظایف رسمی نبوده است [۵، ص ۱۲۳]. با توجه به مضمون تصاویر، موقعیت زنان در سفرها در هریک از دو تمدن مورد نظر متفاوت بوده است. زنان در تمدن هخامنشی یا به همراه پادشاه یا نجبا با احترام و تکریم یا به تنهایی و مستقل یا رسمی مسافرت می‌کردند. البته چند غلام همراه آن‌ها حیوانی را که سوار می‌شدند به حرکت درمی‌آوردند. در صورتی که در پیکرنگاری‌های برجای‌مانده از زنان در تمدن آشور، به غیر از زنان درباری، تصاویری از زنانی وجود دارد که به‌عنوان اسیر جنگی به تصویر کشیده شده‌اند و سربازان آشوری در پشت سر آن‌ها حیوانات را با سرعت به حرکت درآوردند.

در قسمتی از سنگ‌نگاره داسکیلیون، سه زن اسب‌سوار و دو مرد پیاده دیده می‌شوند. زنان در این سنگ‌نگاره جامه آستین‌بلند ساده‌ای پوشیده‌اند که از گردن تا مچ پا می‌رسد و چیزی همانند بادبزن روی سر انداخته‌اند که اندکی از جامه اولی کوتاه‌تر بوده و تا پایین‌تر از زانوی آن‌ها می‌رسید. در این سنگ‌نگاره، نیم‌رخ بودن زنان و مردان و همچنین اسب‌ها و گام‌برداشتن آرام و آهسته آن‌ها، شیوه بازنمایی چشم‌ها از روبه‌رو، قرار گرفتن پاها پشت هم، بزرگ‌تر نشان دادن زنان سواره نسبت به مردان پیاده (نشان از جایگاه والای آن‌ها دارد) و موارد دیگر همگی از ویژگی‌های هنر هخامنشی هستند [۱۷، ص ۹۶] (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۲. تصویری از سنگ‌نگاره داسکیلیون، محل نگهداری موزه استانبول [۷، ص ۱۲]



در تصویر ۱۳، تصویری از یک سواره همراه بچه خردسال و چند نفر دیگر دیده می‌شود. تصویر زنی اسیر، سوار اسب، همراه بچه‌ای را نشان می‌دهد که احتمال می‌رود فرزند خودش باشد. مردان یک گروه از سربازان آشوری هستند که اسیران بابلی را با خود می‌برند. این قطعه سنگ، که بخشی از اتاق شماره ۷۰ را تزیین کرده بود، در کاخ جنوب غربی سلطان سلم در نینوا به دست آمده که هم‌اکنون در موزه آشمولین آکسفورد نگهداری می‌شود.



تصویر ۱۳. یک زن اسیر سوار بر اسب همراه فرزند خود، جنوب غربی نینوا، محل نگهداری موزه آشمولین [۲۲]

### حضور زنان در جشن‌ها و مراسم شادی

بر اساس منابع تاریخی و اسناد هنری به دست آمده، زنان در دوره هخامنشیان و آشوریان در مراسم و جشن‌ها شرکت می‌کردند. مدارک محدودی از مورخان یونانی درباره شرکت زنان هخامنشیان در جشن‌ها به دست آمده است. هرودت داستان فرستادگان پارس را نقل می‌کند که شرکت و حضور زنان و همسران و همچنین زنان غیرعقدی را در جشن درخواست نموده بودند. هراکسید گفته است که فقط به زنان غیرعقدی اجازه ورود در جشن‌ها داده شد. پلو تارک هم عقیده دارد که هنگام نوشیدن شراب زنان دربار باید مجلس را ترک می‌کرده‌اند و زنان غیرعقدی و رقاصان و نوازندگان مجاز بودند در مراسم حاضر شوند. شرکت زنان غیرعقدی در جشن‌های پارسیان مشخص‌کننده موقعیت پایین اجتماعی آن‌ها نبوده است [۵، ص ۹۶]. غیر از منابع یونانی، پنج مورد از متون باقی‌مانده از اسناد تخت جمشید از حضور زنان درباری پارس در جشن‌ها حکایت می‌کند [۵، ص ۱۳۰].

در تصویر ۱۴، روی یک مهر تصویر زن و مردی دیده می‌شود. طبق نظر پژوهش‌گران، این زن لباس ایرانی چین‌دار هخامنشی به تن دارد. در این تصویر، مرد یک دست در کمر و دست دیگر روی شانه زن گذاشته است. زن هم با نگاه خیره به مرد، دست در شانه مرد گذاشته است. احتمال دارد که این دو نفر در حال مراسمی مانند رقص باشند.

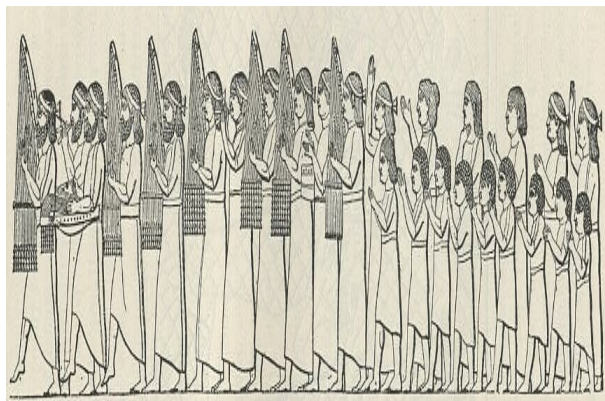


تصویر ۱۴. یک روی مهر با نقش مرد و زن ایرانی با لباس چین‌دار هخامنشی [ص ۲۸۵، ۱۴]

در دوران آشوری‌ها، از موسیقی عمدتاً برای مراسم مذهبی و جشن‌ها استفاده می‌شده است. در میان نقش‌برجسته‌های باقی‌مانده از این دوران، تصویری وجود دارد که در آن یک نفر به‌عنوان رهبر گروه دیده می‌شود و گروه‌های نوازنده نیز متشکل از دو، سه، چهار، پنج یا شاید بیشتر تشکیل شده بود. به نظر می‌رسد آشوریان در بسیاری از جنگ‌های واقعی از موسیقی استفاده می‌کردند. در چند نقش به‌جای‌مانده از این دوران، گروه‌هایی از سه نوازنده را می‌بینیم. نوازندگان در اینجا به‌احتمال اسیرانی هستند که آشوری‌ها از کشور خود آورده‌ان. برای روحیه‌دادن به سربازان در جنگ‌ها، آن‌ها را وادار می‌کردند در مراسم شرکت کنند [۲۸].

در تصویر ۱۵، در قسمتی از کاخ کویونجیک، صحنه درخور توجهی از مجلس موسیقی نشان داده شده است. تعداد ۲۶ فرد در این تصویر دیده می‌شوند (۶ زن، ۹ بچه و ۱۱ مرد). خوانندگان شامل زن‌ها و فرزندان هستند که به نظر می‌رسد در حال آواز خواندن‌اند. بعضی از این اشخاص با کف دست همراهی می‌کنند. سه نفر از چهار نفر اول نوازنده یک پای خود را مثل حالت رقص بلند کرده‌اند [۲۸].

با توجه به منابع تاریخی و اسناد هنری از این دو تمدن (به‌رغم محدودبودن اسناد هنری راجع به هخامنشیان) باید گفت زنان در دوره هخامنشیان نسبت به دوره آشوریان از آزادی بیشتری برخوردار بوده‌اند. اسناد تصویری زیادی از زنان در دوره آشوری به‌دست آمده که در آن زنان را در حال نواختن موسیقی و ساززدن در دربار یا در میدان جنگ به تصویر کشیده‌اند. با توجه به پوشش و چهره مردان و زنان، احتمالاً این افراد اسیرانی بوده‌اند که نظامیان آشوری برای روحیه‌دادن نظامیان در جنگ یا برای آرامش فرمانروایان آشوری در دربار آن‌ها را به این کارها وادار می‌کرده‌اند.



تصویر ۱۵. گروه نوازندگان، زنان و مردان همراه بچه‌ها [۲۸]

## نتیجه گیری

تحقیق درباره جایگاه زن در دوره هخامنشی و آشوری براساس شواهد باستان‌شناسی، که در گذشته نسبتاً دوری اتفاق افتاده، قطعاً با چالش‌های مواجه خواهد بود. این مقاله با روش تحقیق تاریخی، براساس مستندات باستان‌شناختی، حقایق گذشته را براساس جمع‌آوری و خوانش اطلاعات از اسناد تاریخی و مهرها، اثرمهرها و سنگ‌نگاره‌ها جمع‌آوری و اطاعات در این خصوص را به صورت عینی با مصادیق ارائه کرده است. کوشش این تحقیق نشان می‌دهد داده‌ها و شواهد تاریخی و باستان‌شناسی درباره وضعیت و جایگاه زنان در تمدن‌های آشوریان و هخامنشیان محدودند. به لحاظ مقایسه‌ای، اطلاعات ما از وضعیت و جایگاه زنان در دوره هخامنشیان بسیار کمتر از دوره آشوریان است. داده‌ها و شواهد اطلاعاتی ما درباره زنان دوره هخامنشی بیشتر براساس لوح‌های تخت جمشید است که در زمان داریوش اول نوشته شده است. اطلاعات تکمیلی و حمایت‌کننده دیگر در این خصوص به صورت محدود از مناطق بابل و مصر، زمانی که تحت نفوذ هخامنشیان بوده‌اند، به دست آمده است. در مقابل، آثار مادی و شواهد تاریخی به دست آمده از تمدن آشوریان در مقایسه با هخامنشیان از کمیت و تنوع بیشتری برخوردار است. درباره زنان آشوری علاوه بر نقش برجسته‌ها، مهرها و اثرمهرها، لوح‌ها و متن‌نوشته‌هایی وجود دارد که بیانگر وجود قوانین و مقررات مختلف به خصوص در زمینه حقوق و تکالیف زنان است. به رغم کمبود مستندات در خصوص زنان هخامنشی، برخی از شواهد همچون نقش برجسته‌ها و همچنین فرامین شاهان هخامنشی، روح قانون‌مداری و عدالت‌خواهی هخامنشیان را به زنان نشان می‌دهد. در تمدن‌های بین‌النهرین، به خصوص آشوریان، به رغم وجود قوانین در زمینه حقوق و آزادی‌های افراد، مقررات سخت‌گیرانه و ظالمانه‌ای در خصوص زنان وضع و اجرا می‌شد. شواهد نشان می‌دهد در آشور میانه آزادی زنان کاهش یافته و موجب

پایین آمدن جایگاه و شأن زنان و افزایش مردسالاری شده بود. مهم‌ترین شاهد در این خصوص «قانون ۴۰ آشور میانه» است که محدودیت‌های بیشتری برای زنان ایجاد می‌کند. به لحاظ تنوع قوانین در خصوص زنان، دوره آشور نسبت به دوره هخامنشی مدون و پیشرفته‌تر است که پایه قوانین آن بیشتر ملهم از قوانین حمورابی از بابل قدیم است. در دوره آشور میانه به بعد، تلاش‌ها برای تنظیم و کنترل فعالیت‌های زنان بیشتر شد. براساس قانون پیش‌گفته، دولت کنترل بر جنس مؤنث را در اختیار داشته است. برخی را وادار به پوشیدن روبند و برخی را از پوشیدن آن منع می‌کرده است. در تصاویر مهرهای به‌دست‌آمده از دوره آشوری، زنانی به تصویر کشیده شده‌اند که در اسارت و کوچ اجباری به محل‌های دیگر می‌روند. ملکه‌ها و زنان درباری در هر دو تمدن مورد نظر از جایگاه بالایی برخوردار بوده‌اند. با وجود جایگاه ملکه‌ها در هر دو تمدن، به نظر می‌رسد بانوان و الامقام دوره هخامنشی نسبت به دوره آشوری از آزادی عمل بیشتری برخوردار بودند. در آثار هنری هخامنشیان، زنان درباری به‌تنهایی و روی صندلی درباری، مثل شاهان هخامنشی، تکیه داده‌اند و چند نفر هم به‌عنوان ندیمه در اطراف آن‌ها آماده خدمت‌رسانی‌اند. در صورتی که زنان آشوری در اکثر نقش‌برجسته‌ها همراه فرمانروای آشوری به تصویر کشیده شده‌اند، در یکی از نقش‌ها، زن درباری هخامنشی به صورت مستقل در حال مسافرت دیده می‌شود. همچنین، در قاب تصویری از دوره هخامنشیان، مادری در حال هدیه‌دادن گل به دختر کوچک خود است. در نقش‌برجسته‌های دیگر، حضور زنان در مراسم شادی و همچنین مراسم تشییع‌جنازه جایگاه و موقعیت زنان هخامنشی به‌خوبی تصویر شده است. در صحنه ضیافت‌های شاهانه آشوری، زنان درباری همراه فرمانروایان آشوری ترسیم شده‌اند. در مقابل، در دوره هخامنشی، زنانی غیر از زنان درباری نوشیدنی به فرمانروای هخامنشی تعارف می‌کنند. این امر احتمالاً می‌تواند دلیلی بر ادعای مورخان یونانی مبنی بر حضورنداشتن زنان بزرگ پارس در ضیافت‌های آن‌چنانی باشد. براساس مستندات و شواهد موجود، حضور زنان هخامنشی در فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نسبت به زنان آشوری بهتر و مطلوب‌تر بوده است.

## منابع

- [۱] ابراهیمیان، نفیسه (۱۳۹۱). «پایگاه اجتماعی، فرهنگی زنان در ایران باستان و علل وجودی آن؛ مورد مطالعه هخامنشیان»، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- [۲] احمد آزاد، ابوالکلام (۱۳۸۰). *کوروش کبیر دو/قرنین*، ترجمه ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: علم.
- [۳] استیل، فیلیپ (۱۳۹۰). *تاریخ فرهنگ و تمدن بین‌النهرین*، ترجمه محمدصادق شریعتی، تهران: سبزان.
- [۴] آیینه‌وند صادق؛ تقوی، هدیه (۱۳۹۱). «بررسی جایگاه قدسی زن در بین‌النهرین، عیلام و یونان»، نشریه زن در فرهنگ و هنر، دوره ۴، ش ۳، ص ۴۷-۶۴.

- [۵] بروسیوس، ماریا (۱۳۸۱). *زنان هخامنشی*، ترجمه هابده مشایخی، تهران: هرمس.
- [۶] بهمنش، احمد (۱۳۷۵). *تاریخ ملل قدیم آسیای غربی*، تهران: دانشگاه تهران.
- [۷] جلیلیان، شهرام؛ فاطمی، سیدعلی (۱۳۹۰). «پوشش زنان در ایران باستان»، *مجله تحقیقات فرهنگی*، ش ۱۵، ص ۱-۲۲.
- [۸] جوان، موسی (۱۳۴۰). *تاریخ اجتماعی ایران باستان*، تهران: علم.
- [۹] دادور، ابوالقاسم (۱۳۸۹). «موقعیت اجتماعی، فرهنگی زن در تمدن ایلام»، *مجله زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۱، ش ۴، ص ۹۵-۱۱۴.
- [۱۰] دورانت، ویلیام (۱۳۷۶). *تاریخ تمدن*، ج ۳، ترجمه هوشنگ پیرنظر، تهران: علمی و فرهنگی.
- [۱۱] رحیمی‌فر؛ محسن (۱۳۴۴). «جایگاه زن در تحولات سیاسی- اجتماعی عصر هخامنشی»، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی*.
- [۱۲] ضیاءپور، جلیل (۱۳۵۳). *پوشاک باستانی ایرانیان از کهن‌ترین زمان تا پایان شاهنشاهی ساسانیان*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.
- [۱۳] کرامر، ساموئل (۱۳۷۹). *تمدن آشور*، ترجمه زهرا دودانگه، تهران: ققنوس.
- [۱۴] ماری کخ، هاید (۱۳۸۶). *از زبان داریوش*، ترجمه پرویز رجبی، تهران: کارنگ.
- [۱۵] مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۹). *تاریخ و تمدن بین‌النهرین*، ج ۲، *تاریخ فرهنگی اجتماعی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- [۱۶] مصباح اردکانی، نصرت‌الملوک؛ ابوالقاسم، دادور (۱۳۸۷). «نقش‌مایه زن بر روی مهرهای ایران از دوره پیش‌خطی تا پایان ساسانی»، *پژوهش‌نامه زنان*، ش ۴، ص ۱۶۱-۱۸۲.
- [۱۷] ملک‌زاد، فرخ (۱۳۴۷). «نقوش زن در هنر هخامنشی»، *مجله ادبیات و علوم انسانی*، س ۱۶، ش اول و دوم، ص ۹۴-۱۳۴.
- [۱۸] مورتگات، آنتون (۱۳۷۷). *هنر بین‌النهرین باستان: هنر کلاسیک خاور نزدیک*، ترجمه زهرا باستی و دکتر محمدحجیم صراف، تهران: سمت.
- [۱۹] ویسهوفر، یوزف (۱۳۷۷). *ایران باستان*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس، چ ۱۰.
- [20] Gardascia G. (1959). *le statut de la femme dans les droits cuneiformes*. Recueil de la societe jean bodin brussels 11: 79-94
- [21] <http://www.livius.org/pictures/turkey/ergili-dascylum/dascylum-short-funerary-stele-detail-dinner-scene>.
- [22] <http://www.ucl.ac.uk/sargon/essentials/governors/thekingsroad>.
- [23] <https://iranatlas.info/other/ashur.htm>
- [24] Marten Stol (2012). *Women in the Ancient Near East, Translated by Helen and Mervyn Richardson*, Printed on acid-free paper, Germany.
- [25] Mendelsohn.I (1956). *Samuels Denunciation of Kingship in The light of The Akkadian Documents from ogarit* BASOR143:17-22
- [26] Moorey.P.R.R (1976). "Aspects of worship and ritual on a chaemenid seals"  
*Archeologische mittellungen aus Iran* 10, PP 218-215.
- [27] Radner, Karen (2008). *The delegation of power : Neo-Assyrian bureau seals*, University College LondonIN.

- [28] Rawlinson, George (2016). *The Seven Great Monarchies Of The Ancient Eastern World or(History, geology, and elements of Chaldaou, Assyria Babiön, Media, Présia, Platja and Sassanid or new Persian empire, In three volumes, first volume, With maps and image. Oxford University.*